

شهروند– سیل سراسری که ایران را گرفت بسیاری از جاده‌ها از بین رفت و تعدادی از روستاها در محاصره دریایی از آب قرار گرفت. در آغازین روزهای سال نو که جشن بهار طبیعت ایرانیان به روزهای شفتت و سختی کشیده شد، نوبت به جانفشانی امدادگران و همدلی مردم رسید. دیدن بالگردهای هلال در آسمان بارانی مناطق سیل‌زده روزنه امیدی را در دل ساکنان روستاهایی که چندین ساعت از هر گونه آذوقهای محروم بودند، ایجاد کرد و چندین ساعت بعد کاروان آفرودها از راه رسید تا مردم خانه‌و کاشانه‌باخته‌امیدی تازه بیابند. درست در همین لحظات بود که نقش آفرودها در بلایای طبیعی و حوادث غیر قابل پیش‌بینی آشکارتر شد؛ هر چند که پیش از این همه آفرودبازها در زلزله کرمانشاه و در رساندن آذوقه به ساکنان روستاهای سرپل ذهاب نقش خود را بازی کرده بودند. حالا تا اندازه‌ای نقش امداد رسانی آفرودسوارها مشخص شده‌و به‌نظر می‌آید زمان آن رسیده که این پتانسیل بالقوه‌ساماندهی دقیق تری پیدا کند؛هرچند که پیش از این هلال احمر ایران همکاری خود را با هیأت ورزشی آفرود ایران آغاز کرده‌بود.

پتانسیلی که وزیرانه‌های زلزله‌سرپل ذهاب‌سربر آورد
هنوز ویرانه‌های زلزله ۷٫۳ ریشتری کرمانشاه جمع نشده بود و حتی پیکر تعدادی از جانیختگان از زیر آوار بیرون نیامده بود که کاروانی از کمک‌های مردمی عازم کرمانشاه شد. در این بین بسیاری از سلب‌ریتی‌ها و چهره‌های شناخته‌شده عرصه‌های مختلف هم در ورودی سرپل ذهاب و در ترافیک سنگین متوقف شدند. جاده‌ها قفل شده بود و کسانیی هم که از این ترافیک گذر کرده بودند،امکان ورود به روستاها دورافتاده را نداشتند اما مدها خودرو دو دیفرانسیل مسیر خود را باز کردند و به ویرانه‌ها زلزله رسیدند. اینجایود که کلمه آفرود بیش از پیش در رسانه‌های ایران و در شبکه‌های اجتماعی دیده شد و پس از آن هم تلاش‌هایی برای کمک گرفتن از آفرود در چنین حوادثی جدی‌تر شد. «رش حاجی جعفری» رئیس آفرود استان تهران درباره این راه طی شده به «شهروند» می‌گوید: «تا پیش از زلزله کرمانشاه اگر فعالیتی بوده به صورت خودجوش و بدون ساماندهی بوده‌است. پیش از این چندین کلوب و گروه آفرود با حدود ۲۰هزار نفر در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی فعالیت می‌کردند که پس از مسئولیت من به عنوان رئیس آفرود استان تهران تمام این گروه‌ها را ساماندهی کرده و همه را زیر نظر آفرود استان تهران درآوردیم.» آفرود اکنون زیر نظر فدراسیون موتورسواری و اتومبیلرانی ایران فعالیت می‌کند و سالانه مسابقاتی در شاخه‌های مختلف برگزار می‌کند که تا پیش از زلزله سرپل ذهاب، آفرود ایران تنها به مسابقات و آموزش خلاصه‌می‌شد و اگر نقشی هم در کمک‌رسانی به مناطق بحران‌زده داشت، خودجوش بود که این روند پس از این زلزله ویرانگر تغییر کرد و روزبه‌روز هم فعال‌تر می‌شود. آفرود ایران و در صدر آن استان تهران اما آیا نقش و مسئولیت تعریف‌شده در حوادث طبیعی دارد؟ حاجی جعفری در این‌باره می‌گوید: «وظیفه قانونی آفرود آموزش و پرگزاری مسابقات است که سه سال هم هست که استان تهران قهرمان کشور می‌شود و هیچ‌گونه تعریف و مسئولیتی فراتر از این موضوع ندارد. اما آفرود و بچه‌های این حوزه مسئولیت اجتماعی خود را یک وظیفه می‌دانند و به صورت داوطلبانه در حوادث نقش ایفا می‌کنند»

تبدیل ورزش به پدیده‌ای اجتماعی

گروه‌هایی که پیش از این به صورت جزیرهای و مجازی فعالیت می‌کردند و هر کس خود را سلطان آفرود و جاده‌های

در هر اتاقی، محل‌های امن را مشخص کنید (مثلاً زیر یک میز محکم یا کنار ستون‌ها یا دیوارهای مجاور آنها).

هزینه ۱۵میلیون دلاری برای واردات کاغذ سیگار



گزارش «شهروند» از چند گروه خاص مردمی که نام‌شان به دلیل فعالیت‌های خیر خواهانه در سیل امسال سر زبان‌ها افتاد

آفرودسواران در مسابقه امدادی

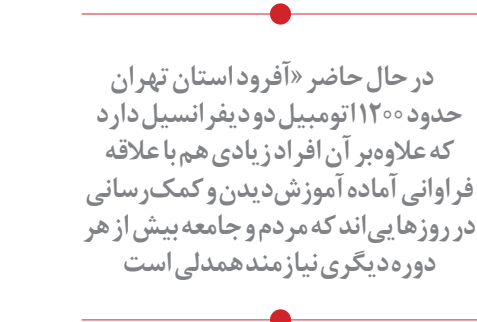
بعضی از این اتومبیل‌ها دو یا سه بار عازم کرمانشاه شدند که این عدد با محاسبه هر کدام از این سفرهاست. «روزهای بحرانی که سر آمد هلال احمر استان تهران به فکر استفاده بیشتر از این پتانسیل افتاد و زمینه را برای آموزش‌های امداد اعضای آفرود فراهم کرد. حاجی جعفری در این‌باره می‌گوید: «این همکاری ما در سال ۹۷، ۹۰ نفر از بچه‌های آفرود استان تهران را آموزش دادیم که قرار است پس از ماه مبارک رمضان هم دور تازه‌ای از این آموزش‌ها آغاز شود.»

نقش آفرود در سیل سراسری

آفرود ایران و در رأس آن استان تهران روزهای زیادی را پشت سر گذاشت و تعدادی از اعضای آن بخشی از آموزش‌های لازم را با کمک هلال احمر ایران دیدند تا نوبت به روزهای آغازین سال ۹۸ برسد. ورزشکاران این رشته‌ها علاقه‌مند به طبیعت هم هستند و امسال هم تعدادی زیادی از آنها روزهای دگرگونی طبیعت را برای اسفرف به طبیعت مناسب دیدند تا این که سیل سراسری همه را غافلگیر کرد و بلافاصله هم تلاش‌های آفرود برای نقش آفرینی آغاز شد. حاجی جعفری نقش آفرود استان تهران در سیل سراسری را به این صورت توضیح می‌دهد: «بسیاری از بچه‌ها در جای جای ایران و در دل طبیعت بودند با این حال ما توانستیم ۱۲ اتومبیل را تهیه کنیم. همه هم پول گذاشتیم و یک‌سری اقدام ضروری را هم خریداری کردیم. با

دبیر کل جمعیت مبارزه با دخانیات ضمن ابراز نگرانی از روند افزایشی راه‌اندازی کارخانجات دخانی در کشور از «صرف هزینه ۱۵ میلیون دلاری برای خرید و واردات کاغذ سیگار» انتقاد کرد.

محمدرضا مسجدی، دبیر کل جمعیت مبارزه با دخانیات کشور با ابراز نگرانی از وضع موجود در حوزه استفاده از مواد دخانی گفت: «یکی از مطالبات ما تدوین برنامه اساسی برای حفظ سلامت مردم از سوی نهادهای حکومتی است. تأمین مصرف مواد دخانی باید تابع عوامل قانونی باشد؛ نه سوداگری‌های بازاری. در حالی که نشریات مکتوب کشور به دلیل بالا رفتن قیمت کاغذ رو به تعطیلی هستند، هزینه‌شدن ۱۵ میلیون دلار برای خرید و واردات کاغذ سیگار به کشور اشتباه‌است.»



در حال حاضر «آفرود استان تهران حدود ۱۲۰۰ اتومبیل دو دیفرانسیل دارد که علاوه بر آن افراد زیادی هم با علاقه فراوانی آماده آموزش دیدن و کمک‌رسانی در روزهایی‌اند که مردم و جامعه بیش از هر دوره دیگری نیازمند همدلی است

دوستان و همچنین خیرین مقداری بار برده بودیم. آنجا شرایط مردم بسیار سخت و دشسوار بوده با همکاری هلال احمر به ما راه دادند و ماشین‌ها را از بار پر کردیم، عازم روستاهایی شدیم که هیچ راه ارتباطی نداشتیم و پس از رسیدن ما تنها یک بار با هلی کوپتر به آنها آذوقه رسانیده بود.» او ادامه می‌دهد: «در کودهشت مردم و مسئولان برخورد فوق‌العاده‌ای داشتند. بارها را به چندین روستا رساندیم و تحویل دادیم که البته مانقشی در توزیع نداشتیم. در مسیر رفت، یک چوپان و گله‌دار ما را دید و با هم همکاری شدیم که موقع برگشت همان فرد سر راه ما ایستاد و ما را به چادرشان دعوت کردند. آنجا غذای مفصلی برای ما تدارک دیده بودند. ما عازم تنگه شیرز شدیم که جاده از بین رفته بود، تیرهای برق خم شده یا افتاده بود و رودخانه‌ها هم طغیان کرده بود. بالاخره ما تنگه شیرز را رد کردیم؛ خود تنگه آخرین جایی بود که آنتن می‌داد و وقتی رنگ زرد و گتمتیم تنگه را رد کردیم از اتاق مدیرت بحران صدای صلوات بلند شد. البته قبل از این ما هم یک هلی کوپتر را بالای سرمان دیدیم. البته بعد از تنگه، تازه مشکلات دیگری شروع شده بود تا جایی که ما طول رودخانه را با ماشین می‌رفتیم و در برگشت هم یکی از ماشین‌ها در آب خاموش و گیر کرد که چندین ساعت تلاش کردیم و در نهایت ماشین را بیرون آوردیم.» آن‌طور که دیگر افراد حاضر در سیل لرستان می‌گویند پس از این اتفاق و عبور آفرودها؛ تنگه شیرز، نگاه مسئولان هم‌نسبت به این اتومبیل‌ها هوشیارتر شد و به‌نظر می‌آید رآ آینده‌هم تلاش برای بهره‌گیری از این پتانسیل افزایش خواهد یافت. این گروه البته روزهای بعد هم و با بحرانی‌شدن شرایط در خوزستان عازم این استان شدند و نقش مشابهی را هم در این استان ایفا کردند.

آفرودتهران با بیش از ۱۲۰۰ اتومبیل آماده‌نقش آفرینی بیشتر

هر چه که در این سیال‌ها بر ایران گذشته و هر بلای طبیعی در کنار آسیب‌ها و خسارات ویرانگر، زمینه را هم برای آمادگی بیشتر و توانایی مقابله با چنین مشکلاتی فراهم کرده‌است. آفرود و کمک گرفتن از چنین پتانسیلی هم شرایط مشابهی دارد و به نظر می‌آید با توجه به همکاری ایسن گروه با تیرروهای امدادی و همچنین آموزش دیدن اعضا، اکنون شرایط بهتری حاکم‌است. آن‌طور که رئیس آفرود استان تهران می‌گوید در حال حاضر «آفرود استان تهران حدود ۱۲۰۰ اتومبیل دو دیفرانسیل دارد که علاوه بر آن افراد زیادی هم با علاقه فراوانی آماده آموزش دیدن و کمک‌رسانی در روزهایی‌اند که مردم و جامعه بیش از هر دوره دیگری نیازمند همدلی است.» علاوه بر این آفرود تهران این روزها با سازمان محیط زیست هم همکاری دارد و برای سفرهای کاری و پژوهشی در دل طبیعت، زمینه را برای چنین حضوری فراهمی‌کند.

است. امروز مدارس غیرانتفاعی و خصوصی، الگوی تعلیم و تربیت شده‌اند، منتها سوال اساسی این است که کدام دانش‌آموزان در این مدارس هستند؟ آیا رد پای ارزش‌های زندگی رانتهی در مدارس ما دیده نمی‌شود؟ آیا بر خورداران، شایسته‌ترین‌اند؟ فرزندان چه کسانی الگو شده‌اند؟ سیکل معیوب خصوصی‌سازی در سیستم آموزشی و در اقتصاد بیمار ما، در آینده مدیرانی را تحویل می‌دهد که خودشان رشداجتماعی‌ورانهی رانتهی داشته‌اند!

بی‌بروردیو، جامعه‌شناس، شکل‌گیری ساختمان ذهنی و اجتماعی را دیاکتیک ملکه ذهن شدن (طرح‌واره) عوامل خارجی و خارجی‌شدن عوامل ذهنی می‌نامد. زمینه روابط ناسالم اقتصاد شبه‌خصوصی و آزاد در کشور ما عامل حضور طبقه نورسیده و تبدیل این طبقه دانش‌آموزی به مدیرانی خواهد شد که ارزش‌های حاشیه‌ای خود را بر سایر طبقات، جاری خواهند کرد. به‌عبارتی، ساختمان ذهنی طبقه رانتهی، کنش اجتماعی را مقید خواهد کرد. انسان وابسته به پول و منفعت، انسانیهی که به جای تحویل و تبدیل وجوه پست شخصیتش به وجه متعالی، مفتخر به خودشیفتگی ووجه مادی است، بنابراین بهتر است امر غریب را در مشکلات اقتصادی جست‌وجو کنیم تا این‌که صرفاً آموزش و پرورش را خطاب قرار دهیم.

دوا چیست و کجاست؟

کمافی الساق، متولیان تعلیم و تربیت احتمالاً به‌بخشنامه متوسل خواهند شد و در چندبرگ آ۴، به‌قلم‌برجسته، امضا خواهند کرد دستوراتی که: چنین کنید، چنان کنید... این نیز چشم‌بستن بر امر واقع است. شایسته‌است ابتدا بتوانیم به خودمان نگاه کنیم، خودشناسی می‌تواند ما را تجات دهد.

عنصر غایب اما اصیلی که در مدارس ما گم شده است، چیست و کجاست؟

صدای ساسی مانکن بلند شده است؟

| حسن ذکاوت | روانشناس بالینی، مشاور آموزش و پرورش لامرد |

می‌گوییم، ما نمی‌توانیم نشانه‌های شرّ را از وجود افراد کاملاً جدا کنیم، بر خورد رادیکال و آمرانه در تربیت، آژیر خطر را بلند کرده‌است.

تصور ما از انسان، لجاجت با واقعیت اوست.

فکر نمی‌کنید باید راهی مناسب برای وجه پنهان شخصیت دانش‌آموزان در نظر بگیریم، طوری که به رشد آنها کمک کنیم؟ انسان آمیخته‌پستی، میان‌مایگی و تعالی است. وجه نازل شخصیت ما، زشت نیست، چه اتفاقی افتاده که ما به جای هدایت امر لذت و تبدیل آن به امر متعالی، صرفاً آن را ندیده می‌گیریم و به خودمان دروغ می‌گوییم. اینجاست که روغن بادام به قول مولانا خشکی آورده و سرکنگبست، صفرافزوده‌است.

ابتدال از کجایی آید؟

آموزش و پرورش این‌های است که از همگان دعوت می‌کند خود را در آن ببینند. این تعریف واقعی است، نه این که ما مدرسه را موقعیتی ازوله در نظر بگیریم؛ به‌بهریختگی قشربندی اجتماعی که خود ناشی از اقتصاد رانتهی و بیمار است، باعث شده که ارزش‌های متعالی نادیده گرفته شود. افزایش سطح درآمد و طی کردن پایگاه‌های اجتماعی و فرا آمدن در سطوح بالای قشربندی در کشور ما، حاصل مشارکت در تولید و رشد تدریجی نیست. اقتصاد دلالی و ناگهان فریه‌شدن، باعث شده که مناسبات طبقات نادیده گرفته شود. مناسبات حاشیه‌ای همراه با رشد درآمدی رانتهی، به لایه‌های بالای مدیریتی ما رسوخ پیدا کرده

رقص ساسی مانکنی دی‌جی‌ها و دانش‌آموزان دبستان ما، کمک‌کننده است اگر این دو احساس را نیز صادقانه در نظر بگیریم:

اول: احساس تنهایی و بیگانگی

دوم: احساس درماندگی

دانش‌آموزان ما تنها هستند! امر واقع، رقص آنها نیست بلکه احساس تنهایی و بیگانگی عمیق آنهاست. زندگی در فضای غریب و متهدا... مدرسه تبدیل به فاصله در دناک بین ایمن و رفتن به خیابان شده است؛ روان در مانی جوابی روشن برای عدم تغییر مراجع در اتاق درمان دارد؛ نبودن رابطه‌عامل تغییر است؛ در رابطه است که ما تغییر می‌کنیم.

آموزش چیست؟ تغییر رفتاری پایدار

در د اینجاست، بین معلم و دانش‌آموز ارتباطی نیست. در غیاب رابطه‌ای امن و سرشار از صداقت و احترام، تغییری رخ نمی‌دهد و ارزش‌های ما منتقل نخواهد شد. کلاس، سرشار از بیگانگی است.

امر واقع را بیجسسیم نه امر غریب. فکری برای احساس تنهایی و درماندگی دانش‌آموزان کنیم، صدای ساسی، حاصل فضای ارتباطی سترون و مینیا توری مدرسه است. نمی‌توان انتظار ایجاد رابطه عمیق بین معلم و دانش‌آموز داشت، اگر منتظر باشیم فقط شاگرد تغییر کند، اما استاد در این ارتباط دوطرفه، همچنان ایستاد و نای کل باشد.

صدای ساسی مانکن‌ها، جنتلمن جنتلمن، بلرزن بلرزن‌ها... صدای بیماری است، صدای غیبت عشق است. سنایشگر عشق و زندگی و یکی شدن باشیم، آن‌گونه که بایزیدبسطامی‌انقل کنند:

«وشیدم که مجنون بینی عامر را گفتند تو کیستی؟ گفت من آنم که لیلی و لیلی است من.»